

## یاد جانباختگان کشتارهای دهه شصت را گرامی بدریم

جمهوری اسلامی برای تثبیت پایه‌های قدرت خویش در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) و در کمتر از یک ماه بعد از بودن قدرت سیاسی، در شهرهای مختلف ایران با شلیک مستقیم به کارگران بیکار که از انقلابیون علیه رژیم شاه بودند و کشتن چندین تن از آنان، با حمله به زنان برابری‌طلب و محو کردن هرگونه حقوق زن و تحمیل ارتجاعی حجاب، با بمباران و به توب بستن شهرهای کردستان که به مرگ بسیاری از شهروندان کرد انجامید، با حمله به شوراهای خلق ترکمن در ترکمن صحرا و به خاک و خون کشاندن و کشتار رهبران و بسیاری از کارگران آن جنبش، با حمله به تشکل‌های کارگری و خانه کارگر که توسط کارگران برپا گردیده بود، با ترور رهبران سیاسی و بازسازی زندان‌های تصرف شده توسط انقلابیون، با حمله به سازمان‌ها و احزاب سیاسی و مراکز و ستادهای انقلابیون و تشکل‌های دانشجویی، بهار آزادی بعد از سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه را فرو نشانند. جمهوری اسلامی این چنین بر قدرت عروج کرد.

جامعه انقلابی برای بدست آوردن مطالبات تاریخی خویش بارها برخاسته بود، بارها شوریده بود و بارها به خون نشسته بود، اما با به قدرت خزیدن رژیم سفاک جمهوری اسلامی این بار در خون خویش غرق شد؛ سنگ فرش‌های خیابان‌ها به خون آغشته گشت؛ به صورت زنان اسید پاشیده شد. رژیم ایدئولوژیک بسیاری از کارگران زن را از کارخانه‌ها و ادارات به بیرون پرتاب نمود؛ مراکز نشریات و روزنامه‌ها به آتش کشیده شد. با افزایش شدت استثمار کارگران و کاهش دستمزدها و همزمان با اخراج کارگران و انحلال شوراهای واقعی و تخریب طبقه کارگر، شرایط زیستی کارگران را به فاجعه تبدیل نمود، طوری که امروز شاهد زاغه‌نشین‌هایی هستیم که در اطراف شهرهای بزرگ زندگی که نه مرگ تدریجی را تجربه می‌کنند.

رژیم جمهوری اسلامی بحران اقتصادی - سیاسی را که به سرنگونی رژیم شاه منجر گردیده بود، با تحمیل جنگ ارتجاعی بین خود و رژیم صدام حسین بر دوش جامعه نهاد. بیش از یک میلیون کشته و مجروح جنگی حاصل این جنگ تحمیلی از جانب رژیم به کارگران بود تا با ایجاد بازار سیاه کالا، بازسازی شرایط تولید و اقتصاد جنگی را برای سرمایه‌داران تامین نماید. این همه فجایع زمینه‌ای بود که با آغاز دهه شصت یعنی بعد از دو سال به قدرت خزیدن جمهوری اسلامی، جامعه را با کشتار وسیع و بی شمار انقلابیون کمونیست و دیگر آزادیخواهان در بهت و شکست انقلاب فرو ببرد.

در تداوم ۸ سال جنگ تحمیلی، دولت مستبد سرمایه تمام دست‌آوردهای جنبش کارگری را نابود کرد، هرگونه مطالبات طبقه کارگر با سرکوب مواجه گردید. تمام دست‌آوردهای نیمه‌دمکراتیک برجای مانده از مبارزات ضداستبدادی جامعه، محو و صدای هر اعتراضی با شدت تمام در گلو خفه شد. آخرین بازماندگان زندانیان سیاسی بعد از سال‌ها تحمل شکنجه و زندان، برخی حتی بعد از پایان تحمل احکام زندان، بعد از سال‌ها دربدری خانواده‌های‌شان برای دیدار با عزیزان خویش، بدون کوچکترین قدرت و امکان دفاع از خود، در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) دسته دسته در زندان‌های مختلف ایران به دار آویخته شدند تا رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی فصل جدیدی از سرکوب و استثمار عریان را که با پایان جنگ ارتجاعی تخمین زده می‌شد، آغاز نماید. چوبه‌های دار

دسته‌جمعی، سنگسار زنان به‌طور علنی به سطح جامعه کشیده شد. شکنجه و کشتار، تجاوز به زنان و جوانان زندانی از نرم‌های رژیم جمهوری اسلامی گردید تا فصل جدیدی از استعمار را در عریان‌ترین شکل خود به زنان و مردان و کودکان کار تحمیل کند و بردگی مزدی را با نازل‌ترین سطح دستمزدها در طی به اصطلاح دوران سازندگی به طبقه کارگر ایران تحمیل کند.

اینک بعد از ۳۱ سال حکومت رژیم مستبد سرمایه‌داری جمهوری اسلامی آنچه که در جامعه تحکیم یافته است: زندگی پنجاه درصد از توده‌های جامعه در زیر خط فقر، بیکاری گسترده کارگران، اعتراض مداوم مزدگیران برای دریافت حقوق‌های معوقه خویش، اخراج دسته‌جمعی کارگران و تعطیلی کارخانه‌ها بدون هیچ‌گونه تامین شرایط زیستی کارگران، گسترش هولناک شمار کودکان کار، تورم افسارگسیخته اقتصادی، گسترش تن‌فروشی برای تامین شرایط زیستی با میانگین سنی ۱۰ سال دختران جوان، جابجایی‌های گسترده مکانی توده‌ها برای یافتن کار، یعنی تحمیل بردگی مزدی در عریان‌ترین شکل آن به کارگران، زندانی شدن انبوه عظیمی از جوانان معترض علیه نابرابری‌های طبقاتی - اجتماعی و اعدام برخی از آنان به اتهام‌های واهی امنیتی، نظیر فرزند کمانگر (آموزگار)، شیرین علم‌هولی، مهدی اسلامیان، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، آرش رحمانی پور، محمدرضا علی زمانی، عبدالمالک ریگی و احسان فتاحیان و بسیاری که هم اکنون در لیست اعدام قرار گرفته‌اند مانند: جعفر کاظمی، محمدعلی حاج آقایی، حبیب‌الله گلپری‌پور، سکینه محمدی آشتیانی، ریحانه جباری و لیست‌های جدیدی که هر روزه برای اعدام افزوده می‌شوند یعنی تحمیل استبداد مذهبی - فاشیستی سرمایه به جامعه ایران در پس زمینه بحران جهانی سرمایه‌داری برای برون رفت از آن، می‌باشد.

### **کارگران و انسان‌های آزادی‌خواه، مورد خطاب ما شمانید!**

برای پی بردن به فجایع، آیا همواره بایستی به تاریخ مراجعه کنیم؟ آیا می‌توان مانع وقایع و فجایعی شد که در برابر چشمان ما رخ می‌دهند؟ آیا تاریخ یک امر طبیعی و حکم از پیش تعیین شده می‌باشد؟ تا زمانی که مبارزه طبقاتی نهفته باشد یا خود را تنها به‌صورت پدیده‌های منزوی و پراکنده نشان دهد، نظام‌های طبقاتی - استبدادی به‌عنوان اشکال مطلق و ابدی به جای یک مرحله گذار تاریخی فاجعه‌بار از تحول تاریخی جوامع نگریسته می‌شود. برای گذار از این مصائب و فجایع غیرانسانی بر علیه تمامیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران به‌پا خیزیم.

### **سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی**

#### **برقرار باد سوسیالیسم**

#### **زنده باد آزادی**

کمیته فعالین کارگری - سوسیالیستی / فرانکفورت

سپتامبر ۲۰۱۰